نگاه

بازنشسته کردن علم!

دکتر علیرضا علوی تبار

بازنشسته کردن اساتید معتبر و مشهور دانشگاه‌ها، ابعاد نگران کننده‌ای پیدا کرده است و حکایت از طرحی فراتر از تسریع در یک فرآیند اداری می نماید. بازنشسته شدن اساتید واقعه‌ای است که به تدریج در همه جوامع از جمله جامعه ما اتفاق می افتد و باید هم اتفاق بیفتد. اما آنچه وقایع اخیر را به موضوعی نگران کننده تبدیل می کند افزایش حجم و سرعت آن در متن و زمینه‌ای است که شعارها و ادعاهای دولت جدید، ایجاد کرده است. دولت جدید با شعارهایی بر سر کار آمد و افرادی را به کار گمارد که مشخص بود از علوم مدرن تنها علوم پایه و فناوری های کاربردی آن را مقبول می دانند و نسبت به علوم اجتماعی و علوم انسانی سرسنگین اند و در پذیرش آنها هزار اما و اگر می کنند. خط مشی گذاری های دولت جدید بدون توجه به نظریه های علمی معتبر و پژوهش های تجربی قابل قبول صورت می گیرد و گویی دولت بی نیازی خود را به «علوم اجتماعی و انسانی» و پژوهش های تجربی اعلام کرده و به رخ می کشد! لشکری از نظریه پردازان تازه کشف شده! پشت دروازه های دانشگاه‌ها به انتظار ایستاده بودند تا جاهای خالی ایجاد شده را در دانشگاه‌ها پر کنند و «نظریه هایی بپردازند» درخور این دولت و امیال و آرزوهایش. بنابر این علی الاصول نباید از موج بازنشستگی ها تعجب کرد.

در کنار نگاه کلان نسبت به این بازنشستگی های طراحی شده، بازنشسته شدن برخی از اساتید تاملات و تاثرات شخصی نیز می آفریند و به زنده شدن خاطرات و اوج گرفتن دغدغه‌ها و نگرانی ها می انجامد. بازنشسته اعلام شدن دکتر محمد طبیبیان برای من چنین پیامدی داشت. آشنایی مستقیم من با دکتر طبیبیان به دوران دانشجویی ام، در دانشگاه اصفهان باز می گردد. در میان نزدیک به ده دانشجویی که مشغول خواندن کارشناسی ارشد علوم اقتصادی در دانشگاه اصفهان شده بودیم، دو سه نفر بودند که در کنار کار دانشجویی مطالعه شخصی هم می کردند و دوران دانشجویی برایشان فرصتی بود برای انباشت دانش و تجربه. یکی از دوستان مطرح کرد که مجموعه‌ای از اساتید پرتوان و صاحب نظر در دانشگاه صنعتی اصفهان در بخش برنامه ریزی سیستم ها گرد هم آمده‌اند و دروسی با کیفیت متمایز و شاخص ارائه می کنند. تصمیم گرفتیم هر طور شده مدیریت دانشکده را راضی کنیم تا به ما اجازه دهند حداقل برخی از دروس را با این اساتید و در دانشگاه همجوار بگذرانیم! برای آشنایی با این اساتید سعی کردیم تا در سمینارها و جلساتی که در آن دانشگاه برگزار می شد شرکت کنیم. از قضا نخستین جلسه گزارشی بود که دکتر طبیبیان از توسعه اقتصادی در ژاپن پس از جنگ و خط مشی های اتخاذ شده برای آن ارائه می کرد. داوری من پس از شنیدن گزارش دکتر طبیبیان این بود که معلمی است پردانش، پایبند به اصول و قواعد اخلاق اندیشه و پژوهش و دارای نگاهی منتقدانه نسبت به خط مشی های معمول در آن دوره. اگرچه برخی از دیدگاه‌هایش را نمی پسندیدم اما آرایش را جدی و قابل توجه می یافتم و برای شخص او احترامی بزرگ در خود احساس می کردم. این داوری با گذراندن درس اقتصادسنجی با ایشان تقویت شده و تثبیت گردید. پس از مدتی با علاقه زیاد، مدتی از زمان قبل از شروع کلاس و پس از آن را به گفت‌وگو با دکتر طبیبیان در مورد مسائل نظری علم اقتصاد و خط مشی های اقتصادی در ایران می گذراندیم و من از این لحظات بسیار لذت می بردم. برای تقویت بنیه نظری ما در علم اقتصاد، به پیشنهاد ایشان قرار شد کتاب «نظریه ارزش» نوشته دبرورا که هنوز ترجمه نشده بود، با ایشان بخوانیم. دوستان ما تلاش می کردند تا از دانشکده اقتصاد و علوم اداری دانشگاه اصفهان فرصت و امکانی بگیرند برای اینکه این درس را نیز به عنوان درسی مکمل بگذرانیم و بتوانیم در حدود دانشگاهی وقتی که توسط استاد آن صرف می شود را جبران کنیم. اما این تلاش موفق نبود و در شروع کلاس تردید ایجاد می شد. تا اینکه دکتر طبیبیان پس از شنیدن ماجرای تلاش ما (که بدون اطلاع ایشان صورت می گرفت) با خنده گفت: «لازم نیست همه دانشگاهی ها را آن قدر لمپن فرض کنید که بدون انگیزه مادی هیچ کاری نکنند. بیایید و بدون نگرانی من به شما در خواندن این کتاب کمک می کنم.» از آن پس بعدازظهرهای متعددی را با ایشان به خواندن و تفسیر این کتاب مشغول شدیم. دکترطبیبیان در حالی که روزه بود بعدازظهرها ما را در فهم رموز پیچیده این کتاب که به زبان توپولوژی کل دانش اقتصاد را تلخیص کرده بود یاری می کرد. وقتی به یاد می آورم برای اینکه بتوانم پایه‌پای کلاس پیش بروم ناگزیر از گذراندن حدود شش واحد ریاضی در بخش ریاضی دانشگاه شدم. به تسلط و توانایی دکتر طبیبیان در فهم و تفهیم اقتصاد ریاضی غبطه می خورم. با پایان دوران تحصیل من برای کار به مرکز تحقیقات استراتژیک به ریاست جناب آقای خوئینی ها آمدم و دکتر طبیبیان نیز معاونت اقتصادی سازمان برنامه و بودجه را بر عهده گرفت. از آن پس رابطه ما با ایشان همواره مبتنی بر «گفت‌وگوی انتقادی» بود. چه در قالب مباحثی که گاه و بیگاه در مطبوعات و دانشگاه مطرح می شد و چه در قالب متن هایی که آن زمان میان مرکز تحقیقات استراتژیک و سازمان برنامه و بودجه رد و بدل می شد. گفت‌وگوهای انتقادی که گاه به تلخی می کشید و تا خشم و عصبانیت طرفین پیش می رفت. با رفتن جناب آقای خوئینی ها شور و انگیزه از مرکز تحقیقات استراتژیک رفت و من نیز خودم را به مرکز آموزش مدیریت دولتی انتقال دادم. همین انتقال زمینه‌ای شد برای فرصتی که در چارچوب موسسه عالی آموزش و پژوهش با دکتر طبیبیان همکار شوم. رابطه ما کماکان مبتنی بر گفت‌وگوهای انتقادی بود. ضمن گفت‌وگوهای اغلب لذت‌بخش و گاه تلخ در می یافتم که در بسیاری از زمینه‌ها با ایشان توافق دارم و در برخی از زمینه‌ها تفاوت. اما هیچ‌گاه تصویری که از آغاز از شخصیت ایشان در ذهنم نقش بسته بود. تغییر نکرد. دکتر طبیبیان برای من با چند مشخصه متمایز می شد. انسان صادقی بود و به آنچه می گفت و می کرد کاملاً باور داشت. دکتر طبیبیان در زمینه‌های مشخصی دانش و تخصص بسیار عمیقی داشت به گونه‌ای که «عمق» دانش او بر «گستردگی» اش غلبه داشت. دکتر طبیبیان آدم اصول گرایی است و برای موفقیت عملی هر کاری را مجاز نمی داند و از هر روشی بهره نمی گیرد. دکتر طبیبیان انسان متعهد و دردمندی است که خود را نسبت به سرنوشت و آینده کشور همیشه مسئول می یابد. دکتر طبیبیان انسان با انگیزه‌ای است. او چه به عنوان معلم و چه به عنوان پژوهشگر، کاملاً تابع اخلاق اندیشه و پژوهش است و با توانی مثال زدنی نوجویی و نوگستری می کند و آنچه را به خوبی آموخته به دیگران انتقال می دهد. دکتر طبیبیان . . . آیا رواست کشور را از سرمایه‌هایی چون او محروم کنیم؟ بازنشسته کردن امثال دکتر طبیبیان مقدمه‌ای برای بازنشسته کردن علم از مشارکت در خط مشی گذاری و تصمیم گیری است.

مرد فراموش نشدنی در عرصه اقتصاد

دکتر مسعود روغنی زنجانی

همزمانی ورود من (در اواخر ۶۲) به سازمان برنامه و بودجه با مراحل نهایی کار برنامه ۵ساله توسعه جمهوری اسلامی باعث شد که به نحوی از نزدیک با اندیشه‌های دست‌اندرکاران و طراحان این برنامه آشنا شوم. قبل از ورود به سازمان برنامه و بودجه از طرف جناب آقای میرحسین موسوی نخست‌وزیر محترم وقت در کمیسیون شورای اقتصاد شرکت می کردم به همین دلیل کم و بیش با تحلیل های اقتصادی آن دوره که از طرف سازمان برنامه و بودجه ارائه می گردید آشنا می شدم. در آن دوره دیدگاه حاکم بر اقتصاد کشور دیدگاه رادیکال بود و به دلایل مختلف دولت نقش اصلی را در عرصه‌های گوناگون اقتصادی ایفا می کرد به همین دلیل سیاست کنترل شدید اقتصاد از جمله کنترل اداری تخصیص منابع و قیمت از محوری‌ترین سیاست‌های آن دوره تلقی می شد. من از مدافعین این سیاست بودم و از آن دفاع می کردم. مثلاً تثبیت نرخ ارز در آن دوره و سیاست‌های مربوط به آن یکی از سیاست اصلی بود که دولت آن را دنبال می کرد اما در سازمان برنامه کارشناسانی این سیاست را نفی می کردند منجمله دکتر ذاکر شهرک که یکی از اعضای تیم تهیه‌کنندگان برنامه اول بود. روزی ایشان به دانشکده اقتصاد (مدرسه عالی بازرگانی سابق) آمد و با اینجانب و گروهی از اساتید از جمله دکتر مجتهد معایب سیاست کنترل قیمت ارز به بحث گذاشتند. لذا قبل از پذیرش سمت معاونت سازمان برنامه و بودجه تا حدودی با دیدگاه‌های افرادی که برنامه پنج ساله را تنظیم کرده بودند آشنا بودم ولی هیچ وقت از نزدیک آنها را ندیده و نمی شناختم. با ورود به سازمان برنامه با چهره اصلی یکی از طراحان اصلی برنامه از نزدیک آشنا شدم و او کسی جز دکتر محمد طبیبیان نبود. به دلیل اینکه برنامه تهیه شده که به ناچار آن را برنامه صفر می نامم با جمع بندی روسای قوای وقت مسکوت ماند به تدریج طراحان اصلی این برنامه با تغییر و تحول در سازمان برنامه و بودجه، آنجا را ترک کردند. از آن مقطع یعنی از سال ۱۳۶۳ تا ۱۳۶۶ تلاش کردم با تعدادی از کارشناسان برنامه و بودجه که در زمینه برنامه ریزی دارای تجربه بوده و تقریباً همه آنها در فرآیند تنظیم برنامه صفر مشارکت کرده بودند ولی به تفکر توسعه اقتصاد مبتنی بر بازار نقد داشته و با بعضی دیدگاه‌های طراحان برنامه صفر اختلاف نظر داشتند نسبت به اصلاح و تعدیل برنامه صفر و ارائه سیاست‌های جدید با تفکر این گروه اقدام کنم. نتیجه این کار تدوین لایحه «اهداف و راهبردهای کلی و بلندمدت جمهوری اسلامی و راهبردهای مرحله زمینه‌ساز و تجهیز در جمهوری اسلامی» شد. به‌رغم اینکه در کمیسیون خاص در مجلس به تصویب رسید اما نتوانست راهگشای عملی مسائل کلیدی شود که کشور با آن روبه‌رو بود. چرا که بخشی از آن عمدتاً بازنویسی اصولی از قانون اساسی به شکل جدید و برخی دیگر خواستار رفع مشکلات موجود به صورت کلی شده بود به نحوی که می توان در حال حاضر نیز بسیاری از آنها را تکرار کرد. مهمتر از آن عدم ارائه تئوری مشخص در تدوین این سیاست‌ها برای ایجاد سازگاری سیاست‌های مختلف پیشنهادی و ارائه راه‌حل های عملی یکی از نقاط ضعف آن سند بود سازمان برنامه نمی تواند به دولت و مجلس بدون توجه به راه‌حل مشخص و بدون مبانی تئوریک صرفاً حرف‌های کلی را ارائه دهد. مثلاً گزاره‌های کلی مانند این که فقر را باید از بین برد یا اینکه نظام آموزشی کشور باید دگرگون شود را مطرح کند. این شعارهای کلی نمی توانست راهگشایی برای این امور باشد. به هر حال این در حالی بود که در آن مقطع کشور درگیر مسائل عدیده‌ای بود که دولت را با بحران‌های متعددی روبه‌رو می کرد: بحران جنگ، حوزه اقتصادی را به شدت تحت فشار قرار داده بود و منابع موجود کشور امکان هیچ حرکتی حتی نگهداشت سطح موجود را نمی داد. تورم، کسر بودجه، بیکاری، کمبود منابع ارزی، تحریم بین‌المللی، ساختار معیوب و گسترده نظام اداری، ضعف بخش خصوصی، قوانین ضد و نقیض و . . . همچنان دولت را در اداره کشور تحت فشار قرار می داد. به‌عنوان مسئول سازمان برنامه و بودجه بین سال‌های ۶۶-۶۳ یعنی حدود چهار سال در بدترین شرایط اقتصادی کشور برای تدوین راهکارهایی برای برون رفت از این مشکلات با همکاری نیروهایی با تفکر غیر از اقتصاد بازار تلاش کردم. به‌تدریج و از نزدیک نقطه ضعف‌های این اندیشه را متوجه شده و همزمان با عدم کارایی سیاست‌های اقتصاد مبتنی بر دولت‌محوری را تجربه کردم. این تفکر با برداشت‌های سنتی از عدالت و خودکفایی و دولت که محصول دوران جنگ سرد بود و بدون توجه به تحولات نوین در عرصه جهانی و بدون پشتوانه نظری نوین و با توجه به شرایط جهانی که آبستن تحولات جدید در عرصه‌های مختلف اقتصادی و بلوک‌بندی تجاری و سیاسی بود به ارائه دیدگاه‌های خود می پرداخت. چیزی که همیشه در برخورد با کارشناسان تکیه می کردم ارائه راه‌حل های عملی با توجه به مبانی علمی بود و در این زمینه با صاحبان اندیشه رادیکال کمتر به نتیجه می رسیدم و لذا مسائل در حد کلیات و به صورت شعار باقی می ماند. همزمان با گروه دیگری که با تکیه به مبانی اقتصاد بازار نسبت به مسائل کشور تحلیل داده و راه‌حل های مشخصی را ارائه می داد نیز کار می کردم. حاصل چهار سال کار با دو جریان فکری و تجربه‌های سیاست‌های موجود، این بود که اصولاً برای حل مشکلات اقتصاد کشور و برون‌رفت از آن و ورود به جرگه کشورهای توسعه‌یافته راهی جز سازماندهی اقتصاد حول مالکیت مردم و حق آزادی و انتخاب انسان‌ها به جای سازماندهی حول مالکیت دولتی و رجحان‌های سیاسی دولتمردان و ماشین عظیم اداری دولتی وجود ندارد. اقتصاد بازار با همه ایراداتی که ممکن است به آن وارد باشد، مثلاً زمان‌بر بودن ایجاد تعادل در اقتصاد به دلایل مختلف، هزینه آن برای رشد و توسعه کشور، به مراتب کمتر از دخالت‌های گسترده دولت است که همراه با محدود کردن حقوق و آزادی انتخاب در عرصه اقتصادی است. این جمع‌بندی من حاصل بحث‌های کارشناسی و اجرایی و حضور در مراحل مختلف تصمیم گیری و مشاهده آثار تصمیمات اتخاذ شده بود. اما نقش دو عزیز در این جمع‌بندی برای من همیشه ماندنی خواهد بود: یکی دکتر محمد طبیبیان و دیگری دکتر مسعود نیلی. این دو حق بزرگی در روشنگری آثار نامطلوب سیاست‌های دولت‌گرایی و تسلط دولت بر منابع اقتصاد بر عرصه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور دارند.

به اقتضای مسئولیتی که داشتم قاعدتاً با خصوصیات بسیاری از کارشناسان در حوزه‌های مختلف آشنا هستم اما از خصوصیات یک کارشناس خوب که بیش از همه برایم مهم و تعیین کننده بوده و هست و احترام من را به این دسته افراد برمی انگیزد یکی تسلط فنی بر موضوع و ارائه راه‌حل مشخص و معین برای آن و دوم پایبندی به اخلاق حرفه‌ای است. به این دو خصوصیت در مورد کارشناسان سازمان برنامه باید جامع الاطراف بودن را هم اضافه کرد. به دلیل جایگاهی که دارند نمی توانند مانند یک کارشناس دستگاه اجرایی نظر بدهند چون باید ملاحظات دیگری همانند سیاست‌های کلی و رابطه موضوع مطروحه با سایر موضوعات را نیز مدنظر قرار دهند. لذا وقتی موضوع از طرف دولت و رئیس دولت به سازمان برنامه و بودجه ارجاع می شود با نگاه جامع باید نظر روشن و مشخصی ارائه شود. حرف‌های کلی و مبهم، مثل مبارزه با گرانی و بیکاری و خودکفایی و هزار مشکلات ریز و درشت ممکن است مصرف روزنامه‌ای و تحریک عاطفی و عوام‌پسندانه‌ای داشته باشد اما به‌دور از فضاهای علمی و کارشناسی مشکلات همچنان باقی خواهد ماند و پیچیده‌تر هم خواهد شد. دکتر طبیبیان از نظر سه خصوصیت فوق از برجستگان است. او شخصیتی است که کسی نمی تواند از توانایی های علمی و تحقیقی او چشم‌پوشی نماید. بینش علمی او و خدمات شایانی که ایشان در عرصه علم اقتصاد در ایران کرده است قابل انکار نیست. او با نوشتن چندین کتاب و ده‌ها مقاله سعی کرده است که به محیط‌های علمی و اجرایی کشور نشان دهد که با دستاوردهای علمی بشر در علم اقتصاد می توان برای اقتصاد ایران راه‌حل پیدا کرد. بسیاری تلاش می کنند که نظریات اقتصاد را با شرایط ایران تطبیق دهند و ایشان یکی از بازیگران اصلی این صحنه است. و بر خلاف روال رایج وقتی کتاب اقتصاد کلان را نوشت تمام مثال‌های او تقریباً از ایران است. به دلیل تسلط به مبانی نظری و آشنایی عمیق با اقتصاد ایران راه‌حل هایی که ایشان می داد همیشه مورد توجه قرار می گرفت. اگر هم در مواردی از آن عبور می شد بعدها درستی اندیشه آن اثبات می شد. دکتر طبیبیان کاملاً پایبند به اخلاق حرفه‌ای بوده و اصول و مبانی فکری خود را با هیچ چیزی معامله و معاوضه نمی کند و هزینه آن را نیز پرداخته است. در آن دوران گروهی به سیاست‌های اقتصاد بازار در برنامه‌های توسعه تاخته و آن را عامل ضایع شدن حقوق مردم محروم معرفی کردند اما بعضی از آنها آن‌گاه که منافع شخصی ایشان اقتضا کرد سیاست انحصاری تولیدکنندگان بزرگ را توجیه کرده و با آنها کنار آمدند. و اخلاق حرفه‌ای را زیر پا گذاشتند. پرهیز از شعار و خردگرایی و خردورزی در تحلیل و موضع گیری او مشهود است. مردم گرایی، مردم سالاری و . . . شعارهای خوبی هستند اما چگونگی تحقق آن مهم است. تجویز سیاست‌هایی که منجر به راه افتادن ماشین غول‌پیکر دولت در جاده‌ای می شود که هیچ جایی برای عبور و انتخاب مسیر سایر ماشین‌ها وجود ندارد و اگر داشته باشد بدون مجوز او و به دنبال او امکان‌پذیر نخواهد بود چه جایی برای مردم سالاری می ماند. وقتی برنامه اول و دوم طراحی شد جو شدیدی علیه سیاست‌های اقتصاد بازار با انواع اتهامات به طرف سازمان و افرادی همچون دکتر طبیبیان سرازیر شد. حتی برخی دوستان ناآشنا با عمق این سیاست‌ها، به تندی به آن تاختند بعدها اما دیر متوجه شدند که هرگونه اصلاحات بدون اصلاحات در حوزه اقتصادی امکان‌پذیر نیست. گرچه هزینه مطرح کردن ضرورت پیروی از اقتصاد بازار پرداخته شد. اما برای افرادی چون دکتر طبیبیان آنچه مهم است این است که بسیاری در کشور در حال حاضر در مراکز علمی، سطوح مختلف مدیریتی که در آن دوره مخالف آن سیاست‌ها بودند به نحوی به این دیدگاه‌ها معتقد شده‌اند. دیگر از آن نقدها خبری نیست بلکه تحلیل‌ها و نقدها محتوا و شکل دیگری پیدا کرده است و مصداق این امر در برنامه چهارم منعکس است، لذا به قول ایشان کار بزرگی بود که انجام گرفت.

برای اینکه با زوایای فکری او آشنا شویم به چند نمونه کار ایشان اشاره می کنیم. در دولت جناب آقای هاشمی‌رفسنجانی با توجه به اینکه مکانیسم بازار فعال می شد می بایستی حقوق مصرف‌کننده در چنین فضایی باز تعریف شود لذا ایشان مامور شد که لایحه حمایت از حقوق مصرف کنندگان را طراحی و تنظیم کند. نگاهی به این لایحه نشان می دهد که او حقوق مردم در این عرصه را چگونه می بیند. از دیدگاه او حق مصرف‌کننده در این نیست که یک دستگاه دولتی به وکالت از او و با تمایل سازمانی و مدیریتی آن حق او را بگیرد بلکه این حقی است که باید در جامعه نهادینه شده و از طریق نهادهای مدنی و مردمی دنبال شود. او انحصارات دولتی، خصوصی در عرصه‌های مختلف تجاری، صنعتی، خدماتی و عدم پخش اطلاعات صحیح و شفاف را از موارد ضایع‌کننده حقوق مصرف‌کنندگان می داند. این لایحه بعد از تصویب در دولت جناب آقای هاشمی در کمیسیون بازرگانی مجلس مسکوت ماند. کار دیگر ایشان روی توزیع درآمد و فقر است که کار بسیار عمیقی انجام گرفته است و نشان از حساسیت ایشان به این موضوع و دنبال کردن آن برای ارائه راه‌حل برای طبقات محروم است.

از مسائلی که در آن دوره شروع شده و بعدها شدت گرفت بحث درآمدهای بادآورده بود. گرچه این موضوع به یک جریان سیاسی برای مخالفت با سیاست‌های آزادسازی تبدیل شده بود اما دکتر طبیبیان با نوشتن مقاله در مورد رانت نشان داد که سیاست‌های غلط خود دولت در زمینه تثبیت قیمت‌ها در بازارهای مختلف و ایجاد انحصارات در حوزه‌های مختلف با هدف کمک به مردم منشاء چنین درآمدهایی بوده و باعث ایجاد درآمدهای نجومی برای افراد رانت‌جو می شود. لذا نباید برای مقابله با افراد رانت‌جو سیاست اشتباه دولت در تثبیت قیمت‌ها و ایجاد و حفظ انحصارات و مقررات مخدوش‌کننده را تکرار و عمیق‌تر کنیم. بعداً موضوع رانت اقتصادی به صورت ادبیات روزمره نویسندگان و مسئولین در تحلیل‌ها درآمد که امید است به محتوای تئوریک آن نیز در عمل توجه بیشتری شود. دکتر طبیبیان علاوه بر اقتصاد در عرصه‌های علمی دیگر نیز همچون یک محقق تلاش می کند. علاقه او به تاریخ ایران و تحلیل ایشان از قیام‌های عدالت‌طلبانه تاریخی با استفاده از تئوری اقتصادی نشان می دهد که در سایر زمینه‌ها نیز دستی بر آتش دارد. بعد از پایان تلاش شبانه‌روزی برای تنظیم برنامه دوم توسعه پنج ساله برای ادامه کار معلمی و تحقیق در موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه مستقر شد. در این دوره از زندگی خود خدماتی علمی و پژوهشی شایانی انجام داد و با همکاران خود نقش مهمی در انجام مطالعات مبنایی تنظیم برنامه سوم بازی کرد. ولی بی‌تدبیری تصمیم‌گیران باعث شد که عمر این مؤسسه نیز با همه دستاوردهای علمی و پژوهشی کوتاه شود. او فردی ثابت‌قدم در افکار و اندیشه‌های علمی است و فردی است که نه تنها در افکار اقتصادی در مورد تاریخ ایران و تاریخ تفکر اقتصادی مطالعات عمیقی داشته و به خواندن آثار بزرگان علم در زمینه‌های مختلف عشق می ورزد و در نهایت او در عرصه علم اقتصاد و اقتصاد ایران فردی همیشه به‌یادماندنی است.

روزنگاری سه دهه اقتصاد

دکتر علینقی مشایخی

پائیز سال ۱۳۵۹ بود در بانک استان اصفهان و من عضو هیات‌مدیره بانک و مسئول پایه‌گذاری واحد طرح و برنامه بانک بودم. مدیرعامل بانک، یکی از کارمندان شریف و قدیمی بانک صادرات به نام آقای طیبیان بود از اهالی شهرضا. مدیرعامل روزی گفت یکی از بستگانش که دکترای اقتصاد دارد با پایان تحصیلاتش از آمریکا مراجعت کرده است و چون دانشگاه‌ها تعطیل اند، دنبال کار می گردد. به ایشان گفتم حتماً بیایند تا همدیگر را ببینیم. این تازه‌وارد دکتر سیدمحمد طبیبیان بود. یکی دو روز بعد به بانک آمد و همدیگر را ملاقات کردیم. در اولین ملاقات تسبیحی در دست داشت. متین و مردمی، معتقد، مسلمان، هوشمند و مسلط به اقتصاد و بااتکا به نفس به نظر آمد. شاگرد اول رشته اقتصاد دانشگاه شیراز در لیسانس و فوق‌لیسانس بود. با بورس دانشگاه برای ادامه تحصیل به آمریکا رفته بود. دکترای اقتصاد را از دانشگاه معتبر و خوب دوک اخذ کرده بود. با سوابق تحصیلی درخشان با روحیه‌ای مردمی و با عشق به خدمت به کشور و مردم آن بلافاصله پس از پایان تحصیلاتش به ایران بازگشته بود. مشخص بود که شخصیتی ارزنده، علاقه‌مند به خدمت، عالم و توانمند بود. بلافاصله کار خود را برای بررسی های اقتصادی در سطح استان در بانک آغاز کرد. این بود شروع آشنایی من با مردی که طی ۲۵ سال بعد نقش مهم و شاخصی در صحنه اقتصاد ایران چه به لحاظ آموزشی و علمی و چه به لحاظ عملی و اجرایی ایفا کرد. این آشنایی شروع همکاری و دوستی طولانی بعدی شد که طی آنها دکتر طبیبیان بیشتر و بیشتر توان علمی، استعداد و قوت فکری و استحکام شخصیتی خود را نمایان ساخت.

در پایان سال ۱۳۶۰ زمانی که آقای دکتر محمدتقی بانکی مسئولیت سازمان برنامه و بودجه آن زمان را به عهده گرفت، از من دعوت کرد تا برای همکاری در زمینه برنامه‌ریزی به سازمان بروم. در آن زمان سازمان برنامه و بودجه دوران بحرانی خود را می گذراند. قبل از مسئولیت آقای دکتر بانکی، سازمان مدتی تعطیل شده بود. تعدادی از نیروهای متخصص سازمان را ترک کرده بودند، تعدادی را نیز در مدتی که سازمان تعطیل شده بود بازنشسته یا اخراج کرده بودند. کانون برنامه‌ریزی کشور و مهمترین ستاد مدیریتی دولت به هم ریخته بود. اکثر قریب به اتفاق مدیران دستگاه‌های اجرایی کشور بی‌تجربه و ناآشنا با مقولات برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی بودند. تصویر روشنی از وضعیت موجود، منابع و امکانات در دسترس، هدف‌ها و اولویت‌ها و چگونگی تخصیص عقلانی منابع محدود وجود نداشت. آنچه در گذشته انجام شده بود و آنکه در گذشته نقشی داشت نفی و طرد شده بود. نظم و روال جایگزینی استقرار نیافته بود. اگرچه هدف‌های کلی نظام جمهوری اسلامی ایران اعلام شده بود ولی هدف‌های مشخص، طرح‌ها و سیاست‌های منسجم و مورد قبول نظام سیاسی تازه برای اداره امور کشور وجود نداشت.

در آن شرایط که نظام برنامه‌ریزی از هم پاشیده شده بود و مدیران تازه‌کار و بی‌تجربه از سطح هیات وزیران تا استانداران و مدیران کل و روسای ادارات مختلف، متصدی امور شده بودند، بازسازی نظام برنامه‌ریزی کشور، آشنایی مدیران با مفاهیم برنامه‌ریزی، به‌کارگیری آن مفاهیم برای هدف‌گذاری، سیاستگزاری، تدوین برنامه‌ها و تخصیص منابع محدود برای تحقق هدف‌های بسیار مهم بود. دکتر طبیبیان در آن مقطع زمانی نقش برجسته‌ای در ایجاد نظم فکری و اداری حداقل برای برنامه‌ریزی و سیاستگزاری در کشور و آموزش مدیران و کارشناسان نظام نوپای جمهوری اسلامی ایفا کرد و از این نظر خدمت بزرگی به نظام، مدیران و کارشناسان آن کرد.

زمینه بسیار مهم دیگری که دکتر طبیبیان در آن نقشی کلیدی ایفا کرد، شروع یک تحول دیرپا و فزاینده در آموزش اقتصاد در ایران بود. حوزه‌های اقتصاد و مدیریت، حوزه‌های پیچیده ولی مهم حیاتی در اداره موثر و موفقیت‌آمیز یک جامعه هستند. امور یک جامعه وقتی به خوبی سامان می گیرد و مسائل کلان آن نظیر بیکاری، تورم، بهره‌وری، فقر، رشد و توسعه اقتصادی حل می شود که استعدادهای برجسته با اتکا به علوم پیشرفته و پیچیده در این رشته‌ها در صحنه اداره کشور حاضر و تاثیرگذار باشند. لذا با توجه به پیچیدگی این زمینه‌ها لازم است بهترین استعدادهای جامعه جذب این رشته‌ها شوند تا با ذهنی قوی و تسلطی عالمانه بر این حوزه‌های پیچیده بتوانند به پیشرفت جامعه و ارتقای سطح زندگی در آن کمک کنند. در حالی که کشورهای پیشرفته، استعدادهای برتر به این رشته می روند، متاسفانه در ایران، به جز موارد استثنایی، نخبه‌های جامعه کمتر به این رشته‌های مهم و پیچیده روی می آورند. از ۵۰۰ نفر و یا حتی ۱۰۰۰ نفر اول کنکور ریاضی - فیزیک شاید یک نفر هم رشته‌های اقتصاد و مدیریت را انتخاب نمی کند. همه به مهندسی و علوم روی می آورند. نفرات برتر کنکور تجربی نیز رشته‌های پزشکی را برمی گزینند. عدم اقبال استعدادها به این رشته‌ها و سایر رشته‌های مهم علوم انسانی و اجتماعی برای اداره جامعه فاجعه‌آمیز است. اگرچه در حال حاضر اقتصاددانان عالم و برجسته‌ای در کشور وجود دارند، ولی عدم اقبال نخبگان فارغ‌التحصیل دبیرستانی به این رشته‌ها، توان فکری و علمی حوزه اقتصاد کشور را در سطحی متناسب با شأن و اهمیت این رشته قرار نمی دهد. در نتیجه مسائل کلان کشور در گردابی از نظرات متضاد و عمدتاً غیرمبتنی بر فهم عالمانه و دقیق راه‌حل ها پابرجا باقی می ماند. آنچنانکه تاکنون باقی مانده است.

برای خروج از این وضعیت، بایستی راه جوانان نخبه و مستعد کشور به این رشته‌ها گشوده می شد. چون تغییر ذهنیت فارغ‌التحصیلان نخبه دبیرستان‌ها برای انتخاب این رشته‌ها در دوره کارشناسی بعید به نظر می رسید و به علاوه امکان آموزش کیفی آنان به طور وسیع میسر نبود، عده‌ای از دوستان، منجمله دکتر طبیبیان، به این نتیجه رسیدند که باید راه فارغ‌التحصیلان نخبه رشته‌های مهندسی و علوم را به رشته‌های اقتصاد، برنامه‌ریزی و مدیریت باز شود. بدین منظور در سال‌های ۶۱ و ۶۲ با پشتیبانی و همت دکتر محمدتقی بانکی رئیس وقت سازمان برنامه و بودجه، در زمانی که هنوز دانشگاه‌ها تعطیل بود و روال تصویب دوره‌های کارشناسی ارشد مشخص نبود، دوره کارشناسی ارشد مهندسی سیستم‌های اقتصادی - اجتماعی طراحی شده و به تصویب شورای عالی انقلاب فرهنگی رسید. متقاضیان ورود به این رشته می توانستند از فارغ‌التحصیلان دوره کارشناسی ارشد بیشتر رشته‌ها از جمله رشته‌های مهندسی و علوم باشند. دوره کارشناسی ارشد مهندسی سیستم‌ها در سال ۱۳۶۳ در دانشگاه صنعتی اصفهان آغاز شد و اولین دوره دانشجویان خود را پذیرفت. گرایش اقتصاد آن دوره بر دوش پرتوان دکتر طبیبیان می چرخید. حاصل آن دوره افرادی نظیر آقایان دکتر مسعود نیلی، دکتر حسن درگاهی، دکتر مهدی عسلی و مهندس سعیدرضا مومنی بودند. اگرچه با مهاجرت تعدادی از دوستان، منجمله دکتر طبیبیان به تهران، آن دوره کارشناسی ارشد در دانشگاه صنعتی اصفهان، بخصوص در گرایش اقتصاد، کمرنگ و متوقف شد. ولی همان دوره و با همان هدف‌ها از اول دهه ۱۳۷۰ در موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه در تهران شکل گرفت و دکتر طبیبیان تعداد قابل توجهی از جوانان نخبه کشور را در بیش از دوازده دوره ورودی در آن موسسه در رشته اقتصاد با کمک همکاران دیگرش آموزش داد. چه در اصفهان و چه در موسسه، نه‌تنها هدف جذب جوانان هوشمند به رشته اقتصاد بود، بلکه آموزش کیفی آنان با استفاده از کتاب‌ها و مطالب درسی روز دنیا که در بهترین دانشگاه‌های جهان تدریس می شود نیز مورد توجه و تاکید جدی بود.

در واقع علم اقتصاد حاصل تلاش دانشمندان و نخبگان زیادی طی دو قرن اخیر در سطح دنیاست. مغزهای زبده و برجسته‌ای بر روی این حوزه از معرفت بشری عمر گذاشته و حاصل پرارزش و پیچیده‌ای را به وجود آورده‌اند، اگر کسانی بخواهند حرف تازه‌ای در حوزه اقتصاد مطرح کنند اول باید خوب بفهمند که نخبگان قبلی در این زمینه چه گفته‌اند. این فهم نیز تنها با مطالعه کتب و مقالات بهنگام این حوزه عاید می شود.

دکتر طبیبیان بر ارزش، پیچیدگی و عمق معرفت بشری در حوزه اقتصاد به طور جدی و حتی متعصبانه‌ای باور دارد، به آن عشق می ورزد و با مطالعه مستمر خود را بهنگام نگاه می دارد. او تلاش می کند که با استفاده از مطالب و کتب بهنگام، دانشجویانش را نیز با این حوزه و عمق و دقت آن به طور همگام با پیشرفت این رشته آشنا سازد. به علاوه او اصول و نظریه‌های پیچیده اقتصادی را که عمیقاً فهمیده است برای شرایط و مسائل ایران به خوبی به کار می گیرد و آموزش می دهد. به همین دلیل خیل عظیم دانشجویانی که در دانشگاه صنعتی اصفهان و موسسه عالی پژوهش در برنامه‌ریزی و توسعه تهران از دکتر طبیبیان اقتصاد را فرا گرفته‌اند، درکی عمیق، علمی و عملی از حوزه اقتصاد پیدا کرده‌اند. آنانی که در ایران مانده‌اند در حوزه کار خود در سطوح کلان، بخشی و بنگاهی به نحو مثبت و قوی تاثیرگذارند. تعداد قابل توجهی از دانشجویان او نیز با اخذ بورس تحصیلی از دانشگاه‌های معتبر و مهم دنیا برای ادامه تحصیل به خارج از کشور رفته‌اند و با عملکرد ممتاز خود در آن دانشگاه‌ها شاهدی بر کیفیت آموزشی هستند که در حوزه اقتصاد در ایران دریافت کرده‌اند. امید است با بازگشت این جوانان به کشور، تحول مثبت در حوزه آموزش و پژوهش اقتصادی عمق و گسترش بیشتری پیدا کند. تحولات مثبت رشته اقتصاد در ایران که در دو دهه گذشته به وجود آمد و در آینده شاهد بروز بیشتر آن خواهیم بود به مقدار زیادی